

# لیدی برد

## نامه عاشقانه ای به مادران و دختران!

حسن فیاد

هرچند عنوان اولین فیلم گر تا گروینگ، هنرپیشه جوان و جذاب آمریکایی، «لیدی برد» (Lady Bird) است ولی شخصیت اصلی و جوان فیلم، کریستین مک فرسون نیز برای یافتن هویت خود، این اسم را روی خودش گذاشته است. مک فرسون دختر نوجوانی است که دوران پر فراز و نشیب، و مغشوش بلوغ را می گذراند. گذاشتن چنین اسمی به روی خود به منزله سرپیچی گستاخانه‌ای از مادرش است و نیز نمادی از اینکه می خواهد در این سفر، خانه و خانواده خود را ترک گوید و زندگی خود را بررسی کند، و بدینگونه خود را بشناسد و زندگی تازه ای در پیش گیرد.

«لیدی برد» داستان بالغ شدن و در عین حال روابط میان مادران و دخترانی است که نسبت به یکدیگر مهر و محبت می ورزند ولی روابط آنها پر تنش و پر کشمکش است. فیلم گر تا گروینگ گرچه بسیار شخصی است اما از این مرز فراتر رفته و عمومیت یافته است بطوری که تاکنون جوایز متعددی دریافت کرده و مورد توجه منتقدان و تماشاگران بسیاری قرار گرفته است.

انجمن منتقدان سینمایی نیویورک این فیلم را به عنوان بهترین فیلم سال برگزید و انجمن منتقدان سینمایی لس آنجلس نیز جایزه اولین فیلم یک کارگردان را به گروینگ



"Actress Greta Gerwig" cc-by-sa-2.0

### ناآگاهانه بود؟

گر تا گروویگ: به وقایع گذشته که فکر می‌کنم، دو چیز به موازات هم در جریان بود. یکی اینکه اگر شخصی اسم دیگری روی خودش می‌گذارد می‌تواند عملی مذهبی یا غیر مذهبی تلقی شود. وقتی که اولین تجربه تلخ نام گذاری را می‌گذرانید و اسم مقدسی انتخاب می‌کنید، یا اگر وارد نظامی مذهبی می‌شوید و اسم جدیدی بر می‌گزینید، می‌توان آن را عملی مذهبی نامید. دیگر اینکه این قضیه عملی غیر مذهبی می‌تواند تلقی شود اگر از سوی یک ستاره راک مثل دیوید بویی یا مدونا و یا شاید هم یک ستاره سینما انجام گیرد مثل مارلین مونرو که اسم واقعی‌اش نورما جین بیکر بود. من بعداً به یادم آمد که شعری برای کودکان هم به این صورت هست که در کودکان ها برای

گر تا گروویگ: قطعاً همین طور است؛ بی‌شک، نامه عاشقانه‌ای به ساکرامنتو و نیز مادران و دختران است و از احساس فوق العاده‌ای بر می‌آید.

**\* شما اسم فیلم را «لیدی برد» گذاشته اید. دختر نوجوانی که نقش او را سائرسی رونان بازی می‌کند و با این نامی که روی خودش گذاشته است احساس یگانگی می‌کند. وقتی که جوان بودید و در ساکرامنتو زندگی می‌کردید آیا دوست داشتید به اسم خاصی نامیده شوید؟**

گر تا گروویگ: نه. هرگز چنین علاقه‌ای نداشتم. من همیشه خودم بوده‌ام. این اسم کاملاً ساختگی است. زمانی که روی سناریو کار می‌کردم و در حال نوشتن بودم، برای مدتی ذهنم عقیم و کار نوشتن متوقف شد و نمی‌دانستم چطوری از این مرحله خودم را بیرون بکشم. همه چیز را کنار گذاشتم و آنوقت بالای صفحه نوشتیم «چرا منو،

همانطور که قول داده بودی، «لیدی برد» صدا نمی‌کنی؟» اصلاً نمی‌دانم چطوری این فکر به ذهنم رسید. با خودم گفتم: خدای من، دوست دارم این شخصیت را بشناسم که کیست و چه کسی مردم را وادار می‌کند که او را «لیدی برد»، که اسم خودش نیست، صدا کنند. به همین جهت شروع کردم به نوشتن در باره این شخصیت براساس چیزی که از ضمیر ناآگاهم تراوش کرده بود؛ شخصیتی که خودش را به اسم دیگری معرفی می‌کند.

**\* پس این اسم گذاری کاملاً**

اهداء کرد. همچنین این فیلم جایزه بهترین فیلم کم‌دی یا موزیکال سال گوی زرین را از آن خود کرد و رونان، هنرپیشه اول فیلم که در نقش لیدی برد ظاهر می‌شود به دریافت جایزه بهترین هنرپیشه زن در نقش اول فیلم‌های کم‌دی یا موزیکال نایل آمد.

این فیلم علاوه بر دریافت جایزه انجمن ملی منتقدان آمریکا به عنوان بهترین فیلم سال، و نامزدی اتحادیه کارگردان‌های آمریکا به عنوان بهترین کارگردان، اخیراً نیز نامزد ۵ جایزه اسکار در طبقه بندی‌های بهترین فیلم، بهترین کارگردان، بهترین سناریو، بهترین هنرپیشه زن در نقش اصلی، و بهترین هنرپیشه مکمل زن نیز شده است.

هرچند فیلم «شکل آب» جایزه بهترین فیلم سال را از سوی اتحادیه تهیه‌کننده‌های آمریکا، و نیز جایزه بهترین کارگردان را از سوی اتحادیه کارگردان‌های آمریکا دریافت کرده و از برندگان قطعی و پیش‌تاز جوایز اسکار در این زمینه خوانده می‌شود ولی بخت گر تا گروویگ را در بردن این جوایز نمی‌توان بکلی نادیده گرفت.

گروویگ که از بابت این همه جوایزی که دریافت کرده و توجهی که به اولین فیلمش شده است افتخار می‌کند و از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجد، می‌گوید من این فیلم را برای دختران پانزده ساله ساختم تا ببینند و با خود فکر کنند و بگویند: «من هم می‌توانم چنین فیلمی بسازم.»

در اینجا ترجمه گفت و گوی تینا کریستنسن را با گر تا گروویگ که در ماه اکتبر سال ۲۰۱۷ انجام گرفته است، می‌خوانید.

\*\*\*

**تینا کریستنسن: «لیدی برد» نه فقط داستان بالغ شدن دختر نوجوانی است بلکه بنظر می‌رسد نامه عاشقانه‌ای به ساکرامنتو، شهری است که شما در آن بزرگ شدید. اینطور نیست؟**



فوق العاده ای دارد. شخصاً زمانی که نامزد جایزه گوی زرین شدم، برایم خیلی اهمیت داشت و هنوز هم نمی توانم آن را باور کنم. من خیلی به این قضیه افتخار می کنم.

**\* داستان های زیادی درباره هاروی و اینشتاین اخیراً انتشار یافته که آزارهای جنسی و رفتارهای نامناسبی با زنان بسیاری مرتکب شده است. و اینشتاین یگانه مرد مقتدری در صنایع فیلمسازی نیست که چنین رفتار نامناسبی از او سر زده است. به عنوان زنی که در هالیوود فعال است، در باره چنین فرهنگی چه فکر می کنید؟**

گر تا گروینگ: فکر می کنم خیلی مهم است که زنان بیشتری زمام رهبری و قدرت را در دست گیرند؛ چون این موضوع هم از نظر فرم کار و هم از جهت داستان گویی از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است هم اینکه تنوع در تصمیم گیری، در فیلم سازی و در داستان هایی که ترسیم می کنیم بسیار مهم است.

ساختارهای قدرت در هالیوود آنقدر نامناسب و غیرعادی است که بسیاری از دست اندرکارهای فیلم سازی از آن هراس دارند. من در حرفه و زندگی خودم بسیار خوش شانس بوده ام که با چنین مشکلی دست به گریبان نبوده ام. ولی، بی شک، عده زیادی از زنان فیلمساز با چنین مشکلات وحشتناک و هول آوری رو به رو بوده اند. با این حال، من معتقدم صنایع فیلمسازی باید از همه افراد، صرف نظر از نژاد، ملیت، مذهب و جنسیت استفاده کند و فراگیر باشد. همچنین به تغییری اساسی و نمونه در ساختار قدرت در هالیوود امیدوارم. به همین دلیل است که، به گمان من، به زنان تهیه کننده، مدیر، نویسنده، کارگردان و حامی بیشتری نیازمندیم تا بتوانیم صداهای متنوع و متعددی در همه زمینه های فیلمسازی داشته باشیم.



(Lady Bird (Saoirse Ronan) and Mother Marion (Laurie Metcalf

سال و ملیتی که باشند، علاقه مند هستیم. وقتی من به کارهای خودمان نگاه می کنم، می بینم که ما همیشه به زن هایی می پردازیم با ضعف ها و نقص هایشان؛ ولی نه آن گونه زن هایی که در داستان های مردها روزگار می گذرانند. من کارهای دانهام را می ستایم و خیلی خوشحالم در زمانه ای زندگی می کنم که زن های نویسنده و کارگردان و تهیه کننده به خدمت و یاری یکدیگر برخاسته اند و هر کدام با اعتماد به نفس به داستان های مهم و بزرگتری می پردازند.

**\* شما برای بازی در فیلم Frances Ha نامزد جایزه گوی زرین شدید. این قضیه چه اهمیتی برای شما دارد؟**

گر تا گروینگ: من هر سال با تماشای مراسم اهدای جوایز گوی زرین و اسکار بزرگ شده ام. این هنرپیشه ها، کارگردان ها، نویسنده ها و تهیه کننده ها به منزله قهرمان های من هستند؛ رویاهایم را تحقق بخشیده اند. بنابراین، صرف نظر از توفیق یا شکست در کسب جوایز، در جمع و در ردیف چنین کسانی بودن برایم ارزش و اهمیت

بچه ها می خوانند: « لیدی برد، لیدی برد، به خانه ات پرواز کن، خانه ات آتش گرفته و بچه هایت سوخته اند.» من این را بکلی فراموش کرده بودم. با این حال، فکر می کنم این روند هنر و خلاقیت است. همه چیز در حافظه شما مدفون است و اگر بگذارید از ورای ضمیر ناآگاه با شما ارتباط برقرار کند، آنوقت همه چیز بر وفق مراد می شود. من به این طریق با نوشتن تجربه می کنم؛ انگار همه چیز از دنیای دیگری به من الهام می شود. تا این کار را نکنم هیچ چیز به هم ارتباط پیدا نمی کند. مرحله اول نوشتن غریزی است ولی بعد آن را از روی تعقل و تفکر بررسی و اصلاح می کنم.

**\* شما با لینا دانهام دوست هستید. آیا از نظر فیلم سازی و موضوع هایی که بررسی و انتخاب می کنید با طرز تفکر دانهام ارتباطی احساس می کنید؟**

گر تا گروینگ: دانهام دوست بزرگی است و من به کارهایش خیلی علاقه دارم. فکر می کنم ما هر دو به داستان هایی درباره زنانی با شخصیتی عمیق و پیچیده، از هر سن و